

جهان پساً طوفان الاقصی

در صفحه دوم بخوانید



ویژه نامه سالگرد طوفان الاقصی



فهرست

۲

جهان پساً طوفان الاقصی

۳

طوفان الاقصی در اندیشه امام شهید

۴

طوفان الاقصی؛ سقوط القناع

از حصار مرگ تا طوفان حیات

محمد مهدی مولائی - دبیر تشکیلات



در میانه‌ی گذار از یک سکون مرگبار به یک هیاهوی سرنوشت‌ساز، تاریخ در برابر غزه ایستاده است تا روایت کند که چگونه اراده، معادلات سخت جغرافیا را به زانو درآورد. سال ها بود که نوار غزه، نه یک قلمرو، که یک زندان عظیم باز تعریف شده بود؛ حصار از فولاد و تکنولوژی که در آن، حتی نبض اقتصاد و جریان انرژی نیز تحت سلطه‌ی مطلق اشغالگر بود. در این وضعیت نامتلاطم، زمانی که گمان می رفت استراتژی اسرائیل با مدیریت کشش و خفه کردن تدریجی نفس‌های مقاومت به ثمر خواهد رسید، ناگهان، مقاومت از دل تاریک‌ترین لایه های حصار، بازگشت! در اعماق بافت پیچیده و فرسوده شهری نوار غزه، نیروهای نهادینه شده بودند که در میانه‌ی دو تنگنا گرفتار بودند: از سویی، ساختار اشغالگر اجازه نمی‌داد مقاومت به مرحله‌ی کنشگری نظامی برسد، و از سوی دیگر، اجازه نمی‌داد غزه به آرامش و عادی بودن سیاسی دست یابد. در این میان، از زیر خاکستر این بن‌بست، انفجاری عظیم و مردمی برخاست که جهان را با واژه‌ی اکتبر آشنا کرد. این تنها یک حمله نبود؛ بلکه یک انفجار پارادایمیک بود که دکترین امنیت مطلق اسرائیل را در هم شکست و شکافی عمیق در لایه‌های اطلاعاتی و امنیتی

که روزگاری غیرقابل نفوذ پنداشته می‌شدند، پدید آورد. نیروهای مقاومت، با نفوذی استراتژیک و با تکیه بر دانشی که از دل سال‌ها نبرد روزمره به دست آمده بود، توانستند امنیت ساختگی دشمن را به فرآیند فروپاشی بکشانند. آن‌ها با خلق حماسه‌ای در سطح عملیات، نه تنها جغرافیای نظامی، بلکه جغرافیای روانی منطقه را نیز دگرگون کردند. در واکنش به این شوک استراتژیک، رژیم اشغالگر با هدف نابودی مطلق و مسلّم حماس، وارد فاز جنگی شد؛ اما از منظر تاریخ‌نگاری نظامی، این جنگ فراتر از یک نبرد کلاسیک، به یک فاجعه وجودی در قرن بیست و یکم بدل گشت. هنگامی که اسرائیل با تاکتیک جنگ ویران‌گر شهری وارد میدان شد، با حقیقتی روبرو گشت که در محاسباتش نمی‌گنجید: مقاومت، همچون ریشه‌هایی در زیر لایه‌های زیرین شهر، همچنان پابرجا و تپنده بود. اما وقتی اسرائیل دریافت که نمی‌تواند با حماس در سطح زمین به توافق برسد، استراتژی خود را به سوی سیاست زمین‌های سوخته تغییر داد. با هدف فلج کردن حیات، بیمارستان‌ها، مدارس و زیرساخت‌های حیاتی به هدف مستقیم آتش قرار گرفتند. این اقدام، در واقع گذار از جنگ هدفمند به سوی نابودی زیست‌بوم انسانی بود؛

تلاشی مذبوحانه برای تبدیل کردن غزه به فضایی که در آن زندگی، خود، یک جرم و یک خطر محسوسی باشد. امروز، در تراز تحلیلی، شاهدیم که با وجود تمامی تجهیزات پیشرفته و خروشی از آتش، استراتژی اسرائیل دچار یک خطای محاسباتی بنیادین شده است. اسرائیل توانست شهرها را ویران کند، اما نتوانست ایده مقاومت را با بمب‌ها محو کند. در واقع، رژیم اشغالگر در تلاش برای نابودی حماس، خود را در دام یک تضاد بزرگ گرفتار کرده است: هرچه آسیب‌های فیزیکی بیشتر می‌شود، مشروعیت سیاسی او کمتر می‌گردد.

مهم‌ترین پیامد طوفان الاقصی، فراتر از جابجایی مرزها یا تغییر موازنه قدرت، انقلاب وجدان جهانی است. دقیقاً در همان نقطه صفر انسانیت که اسرائیل تصمیم گرفت مدارس و مراکز درمانی را به آتش بکشد، دکترین او در برابر افکار عمومی جهان شکست خورد. در آن لحظه، جهان نه با یک دشمن نظامی، بلکه با یک ضد ارزش روبرو شد. طوفان الاقصی، نه تنها حصارهای فیزیکی را لرزاند، بلکه حصار اخلاقی دنیای مدرن را نیز درهم شکست و نشان داد که مقاومت، در میانه‌ی خاکستر، راهی برای بازگشت به شکوه انسانی است.

وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت، وقتی درنده‌خویی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود.

امام خامنه‌ای شهید
۱۴۰۲/۰۷/۱۸

When oppression and atrocities exceed all bounds, when savagery reaches its utmost, one must await the storm

Martyr Imam Khamenei
October 10, 2023



October

جهان پسا طوفان الاقصی

فاطمه دست پاک - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

از قدیم گفته‌اند: آب راه خودش را باز می‌کند. پس از آنکه موج‌های دریا بارها در تقابل با صخره ساختگی برآمد، ترک‌های صخره نمایان شد. تا اینکه طوفانی به پا شد، بر صخره مصنوعی کوبید و ترک‌هایش را به شکاف تبدیل کرد.

اصل ماجرا

از همان روزهای نخست که این صخره مصنوعی بر غرب آسیا بنا شد، موج‌های مقاومت و حق‌خواهی از هر سو به آن می‌کوبید. ترک‌هایی باریک اما واقعی بر پیکره اش ظاهر شد: از شکست‌های امنیتی و اعتراضات مردمی تا بن‌بست‌های دیپلماتیک. با این حال، پشتیبانانش با سیمان رسانه ای و میلگردهای حمایت نظامی، ترک‌ها را می‌پوشاندند و وانمود می‌کردند صخره هنوز استوار است. تا اینکه طوفان الاقصی، با تمام قوت و حقانیت خود، از غزه برخاست. آب‌های دریا چنان طوفانی شد که موج‌هایش از سد همه توهّمات گذشت. صخره‌ای که سال‌ها با تبلیغات و زور برای فریب اهالی ساحل، «نظم پایدار» نامیده می‌شد، ناگهان از وسط شکاف برداشت شکافی عمیق و آشکار که پوچی و ساختگی بودن آن را برای همگان عیان ساخت.

عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) از نوار غزه آغاز شد و خیلی زود از یک رویداد محلی فراتر رفت و به نقطه عطفی در منطقه و جهان تبدیل شد. از مهم‌ترین پیامدهای آن، نابودی ادعای «شکست‌ناپذیری اسرائیل» بود؛ طوفان الاقصی این تصور را در هم شکست و نشان داد «دیوار بازدارندگی» ترک خورده و معادلات منطقه‌ای و جهانی برای همیشه عوض شده است.

بیداری اهل ساحل

در کنار زدوده شدن پرده‌های حقیقت، حق طلبان جهان و مردمانی که صاحبان اصلی ساحل بودند به حق‌خواهی برخاستند. حتی فراتر از منطقه، از سراسر جهان؛ روزی با

اعتراضات و روزی دیگر با کشتی صمود که هر بار اقدامات رژیم اشغالی علیه آن‌ها موجب روشن‌تر شدن قضیه می‌شد. همانگونه که دکتر علیرضا کمیلی (تحلیلگر مسائل منطقه ای) می‌گوید: همه چیز حاکی از آن است که نه‌تنها ایران بلکه مردم تمام کشورهای جهان از فلسطین حمایت می‌کنند و تظاهرات بشردوستانه برگزار می‌کنند.

آنقدر مسئله واضح بود که رسانه هم بر علیه رژیم صهیونیستی شد و این تغییر نسلی و گفتمانی، زمینه را برای افزایش مخالفت‌های منطقه‌ای

و جهانی با پروژه صهیونیسم فراهم کرد.

پس از طوفان

جنگ در غزه تأثیرات عمیقی بر اقتصاد رژیم صهیونیستی گذاشت. ایتان شامیر، محقق ارشد موسسه مطالعاتی-راهبردی بگین سادات، در تیتیر مقاله‌اش نوشت: خسارت‌های اقتصادی فجیع برای اسرائیل. مهاجرت معکوس، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش شکاف‌های اجتماعی و تلفات انسانی از جمله پیامدهای داخلی این جنگ بوده است. طوفان در غزه نه‌تنها رژیم صهیونیستی، بلکه آمریکا و اروپا را نیز در تنگنای راهبردی قرار داد. این عملیات تمرکز سیاست خارجی آمریکا را بر هم زد و به آشفتگی در اولویت‌های راهبردی این کشور منجر شد. پیش از این عملیات، آمریکا توجه خود را بر مهار چین و شکست روسیه در اوکراین معطوف کرده بود و تلاش داشت با توسعه توافق ابراهیم، کشورهای عربی را حول محور صخره‌ی اسرائیل، گرد آورد. اما اکنون آن نظام اقتصادی-امنیتی موعود با شکست سنگینی روبه‌رو شده و هیمنه آمریکا و نظام جعلی صهیونیستی در غرب آسیا شکسته شده است.

درست وقتی مذاکرات پیوستن عربستان به «پیمان ابراهیم» به مرحله حساس رسیده بود، این عملیات آن روند را متوقف کرد و عملاً پروژه ادغام اسرائیل در منطقه را به تعویق انداخت. همچنین بعد از آن، گروه‌های مقاومت در لبنان، یمن، عراق و سوریه فعال تر شدند؛ مثلاً حملات به پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه یا حملات انصارالله به کشتیرانی در دریای سرخ. این یعنی درگیری از غزه به کل منطقه کشیده شد. طوفان الاقصی توجه سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب را از اوکراین به سمت غرب آسیا منحرف کرد.

از سوی دیگر، بحران مالی ۲۰۰۸ نشان داده بود که نظم

تک‌قطبی (با محوریت آمریکا) دارد فرو می‌پاشد؛ طوفان الاقصی این روند را سرعت بخشید و به رقابت ژئوپلیتیکی بین آمریکا، چین و روسیه دامن زد. همچنین تداوم جنگ غزه نگرانی‌هایی درباره‌ی نفت ۱۰۰ دلاری ایجاد کرد که برای تولیدکنندگان نفت و گاز مثل روسیه خبر خوبی بود و بازار جهانی انرژی را تحت تأثیر قرار داد و تاکنون در حال تشدید است.

دریا و ساحل

و در نهایت به اعتراف «رونین بار»، رئیس سازمان اطلاعات داخلی اسرائیل موسوم به شاباک، نهادهای امنیتی صهیونیستی در حادثه ۷ اکتبر شکست خوردند. این اعتراف، تنها یک شکست امنیتی ساده نبود، بلکه نماد فروپاشی یک باور راهبردی بود.

طوفان الاقصی نشان داد که مسئله فلسطین همچنان به عنوان یک مسئله محوری در سیاست منطقه‌ای و جهانی باقی مانده و توانسته است گفتمان جهانی را به خود معطوف کند.

آنچه از این تحولات برمی‌آید، تثبیت جایگاه مقاومت به عنوان یک الگوی موفق و تغییر بنیادین در محاسبات راهبردی بازیگران منطقه ای و جهانی است؛ طوفان ۷ اکتبر نقشه‌ی با دقت طراحی شده دشمن را باطل کرد.

وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ



عملیات طوفان الاقصی در اندیشه رهبر شهید انقلاب

فاطمه افتخاری پور - دبیر آموزش



جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ

«طوفان الاقصی رژیم صهیونیستی را در یک مسیری قرار داد که انتهای آن چیزی جز اضمحلال و نابودی او نیست.» اعجاز این عملیات به شکست هیمنه دشمن تا دندان مسلح، بر هم زدن نقشه هایشان و از همه مهم تر نشان دادن حقانیت و مظلومیت ساکنان غزه به تمام جهان بود. اسرائیل که خواب شوم دیگری برای نابودی بی سروصدای فلسطین می‌دید؛ پس از آن واقعه که موجودیتش را به خطر انداخت با به نهایت رساندن جنایت و کشتار برای بقا خود تقلا می‌کند. از آن پس هرچه در منطقه (و گویای جهان) آتش افروزی شد، دلیلی جز این نداشت که اسرائیل حیات خود را چنان در خطر دید که جز با از بین بردن جبهه مقاومت و تضعیف تمام کشورهای منطقه چاره ای برای بقا نمی‌دید. طوفان پیش دستانه فلسطینی ها در هفتم اکتبر چنان ضربه ای بر پیکر نحس دشمن صهیونی-آمریکایی وارد کرد که به تعبیر آن مرد صادق الوعد، در این جنگ وجودی آنها را در مسیر نابودی قرار داده است.

مردم سالاری در اندیشه مقاومت

جبهه مقاومت متشکل از انسان‌های آزاده و شجاعی است که برای حقیقت و آرمان‌های الهی آماده جهاداند. گروه‌هایی که با تعبیر

نادرستی مثل نیروی نیابتی بودن مورد خطاب قرار گرفتند اما ایدئولوژی مردم سالار رهبران انقلاب اسلامی، در عین تلاش برای گسترش اندیشه مقاومت در منطقه و جهان، بر حفظ استقلال مردم مقاومت در هر سرزمین تأکید داشته اند. چنان که رهبر شهید انقلاب درباره دست داشتن ایران در این عملیات گفتند: «طراحی و اجرای طوفان الاقصی از سوی خود ملت فلسطین است.»

مقاومت انسانی آمریکا

از مهم‌ترین آثار واقعه ۷ اکتبر، برگرداندن فلسطین به صدر اخبار دنیا و همراه شدن آزادگان جهان با مردم غزه بر علیه جنایات صهیونیست‌ها بود؛ از تظاهرات گسترده در اقصی نقاط جهان در حمایت از غزه تا به دریا زدن کاروان های صمود. در همان اثنا آیت الله سید علی خامنه ای نامه ای به دانشجویان حامی فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا ارسال کردند که در آن نامه خطاب به آن جوانان گفته شد که آنها با حمایت از مردم مظلوم در طرف درست تاریخ ایستاده اند؛ خود بخشی از جبهه مقاومت شده‌اند و بر علیه دولت بی رحم‌شان مبارزه ای شرافتمندانه را آغاز کرده اند. ایشان ناظر به نقشه شوم صهیونیست‌ها برای به خدمت خود درآوردن تمام بشریت با شعارهای دروغینی چون آزادی و حقوق بشر،

با بیان جمله «سردمداران صهیونیسم بین المللی به مفاهیم بشری هم رحم نمی‌کنند.» ایده مقاومت انسانی را برای آرمان های انسانی و آزادگی بیان نموده و برای ارتقاع یافتن این مبارزه توصیه می‌کنند جوانان غربی با قرآن آشنا شوند.

تاریخ در حال ورق خوردن

هرچند که رژیم صهیونیستی برای حفظ بقا خود کشتار مردم غزه و لبنان و ایران با نهایت توانش ادامه می‌دهد و تا کنون خون‌های پاک بسیاری را ریخته، بنابر وعده‌های قطعی الهی پیروزی با جبهه مقاومت است. در این نبرد وجودی مجاهدان مجهز به عناصر ایمان، صبر و مقاومت راهی را آغاز کرده اند که از شکست هیبت دشمن و بیداری مردم جهان آغاز شده و به پیروزی نهایی ختم خواهد شد. این وعده حتمی است اما تسریع و تسهیل آن به تلاش همگانی برای یاری رساندن به جبهه مقاومت بر علیه دشمنان بشریت گره خورده است. و این وعده صادق است که «ان شاء الله گروه های مقاوم در سراسر دنیا غلبه صبر و توکل بر خدا را بر شیاطین عالم خواهند دید.»

طوفان اقصی خاموش شدنی نیست
ورژیم غاصب صهیونی، رفتنی است.

امام خامنه ای شهید





طوفان الاقصی؛ سقوط القناع

حسین سفیدان - دبیر انجمن



صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه
علامه طباطبائی (عضو دفتر تحکیم وحدت)

مدیر مسئول:

محمد رضا یار محمدی

سر دبیر:

فاطمه حاجی حسینی

هیئت نویسندگان:

محمد مهدی مولائی

فاطمه افتخاری پور

فاطمه دست پاک

حسین سفیدان

7 OCT

شهید هند رجب، کودک ۵ ساله‌ای که توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسید. هند به همراه خانواده‌اش درون خودرو بود که تانک اسرائیلی به روی آن‌ها آتش گشود و همه همراهانش به شهادت رسیدند. لیان، دخترخاله ی هند، پیش از شهادت با هلال احمر تماس گرفت و پیش از آنکه گلوله های صهیونیست‌ها صدایش را برای همیشه خاموش کنند، فریاد زد که نیروهای اسرائیلی به سمت آن‌ها شلیک می‌کنند. پس از شهادت لیان، هند، تنها فرد زنده درون خودرو که با اجساد خانواده‌اش احاطه شده بود، تماس هلال احمر را پاسخ داد:

«من هند هستم، شش سالم است. می‌ترسم، خواهرم همین حالا کشته شد. جلوی من یک تانک است و پشت سرم هم یک تانک، لطفاً مرا نجات دهید.»

هلال احمر، ارتش اسرائیل را در جریان گذاشت و با مجوز ارتش، پس از ۳ ساعت آمبولانس به محل اعزام شد. هند، پیش از شهادت، با صدایی لرزان و معصومانه این جمله را زمزمه کرد: «نمی‌خواهم بمیرم، می‌ترسم. دارد تاریک می‌شود.»

هند به شهادت رسید و آمبولانسی که برای نجات او اعزام شده بود، با شلیک مستقیم تانک منفجر شد و امدادگران درون خودرو به شهادت رسیدند. فیلم «صدای هند رجب» بر اساس داستان شهادت هند رجب ساخته شده است.

طوفان الاقصی فقط هیمنه امنیتی رژیم صهیونیستی را نابود نکرد؛ نقاب دروغین رژیم صهیونیستی را کنار زد، پرده از چهره واقعی رژیم منحوس برداشت و مسئله فلسطین را دوباره جلوی چشم جهان قرار داد.

طوفان الاقصی میدان رسانه را از دست صهیونیست‌ها گرفت. و خبرنگاران فلسطینی بیشترین نقش را در این موضوع دارند.

خبرنگار در این جنگ فقط یک خبرنگار نیست؛ بلکه راوی داستان فلسطین است. قهرمانی است که شجاعانه، در میان گلوله و بمباران، مظلومیت فلسطین را روایت می‌کند. امروز با خون خبرنگاران، داستان غزه روایت شد؛ و این روایت دیگر به سادگی خاموش نمی‌شود.

۱۷ اکتبر شروع مبارزه فلسطین و رژیم صهیونیستی نبود. برای فهم آن روز باید عقب تر رفت؛ خیلی عقب‌تر. به سال‌ها آوارگی، محاصره، درگیری و خانه‌هایی که فلسطینیان از آن‌ها رانده شدند. به کودکانی که در فلسطین به دنیا آمدند و جنگ، محاصره و ترس، بخشی از کودکی‌شان شد. طوفان الاقصی صرفاً یک عملیات نشامی نبود، خروش خشمی بود که سال‌ها فروخورده شده بود. اما ماجرا همان‌جا تمام نشد. شاید یکی از مهم‌ترین اتفاقات پس از طوفان الاقصی، چیزی بود که در میدان دیگری اتفاق افتاد؛ میدان رسانه. سال‌ها فقط یک روایت از فلسطین به جهان مخابره می‌شد؛ روایتی که صهیونیست‌ها دوست داشتند. حتی پس از ۷ اکتبر هم تلاش شد قصه را این‌طور روایت کنند؛ انگار فلسطین و غزه قبل از آن روز هیچ گذشته‌ای نداشته‌اند؛ انگار پیش از آن هیچ اتفاقی نیفتاده است.

اما غزه شروع به حرف زدن کرد. این‌بار نه فقط از پشت تریبون سیاستمداران؛ از پشت دوربین خبرنگارها. از میان آوار خانه‌ها، از بیمارستان‌ها، از صف‌های غذا، از چهره کودکان و خبرنگار فلسطینی، خودش شد بخشی از این قصه. او صبح از خانه بیرون می‌آمد تا جنگ را برای ما روایت کند، در حالی که نمی‌دانست شب، خانه خودش هنوز سر جایش هست یا نه. خبرنگار بود، اما فقط خبرنگار نبود؛ خود قربانی یک نسل‌کشی بود. تا امروز ۲۶۳ خبرنگار و فعال رسانه‌ای در این جنگ جان باخته‌اند. انگار سلاح صهیونیست‌ها به دنبال راویان این نسل‌کشی است.

انس الشریف، شهید خبرنگاری که ماه‌ها در غزه ماند و گزارش کرد. از گرسنگی گفت، از بمباران گفت، از قتل بی‌رحمانه کودکان و زنان و غیرنظامیان گفت، از کشتار بی‌رحمانه خبرنگاران گفت، از مردمی گفت که زیر آوار دنبال عزیزانشان می‌گشتند. صهیونیست‌ها به او گفته بودند اگر دست از گزارش بردارد، به او اجازه خروج ایمن از غزه، به هر مقصدی که بخواهد، را می‌دهند؛ اما او نپذیرفت و در نهایت، در حمله هوایی به چادرش در کنار بیمارستان الشفا در شهر غزه به شهادت رسید. شهید انس الشریف در وصیت‌نامه خود این‌چنین نوشت: «اگر این کلمات به شما برسد، بدانید که اسرائیل در کشتن من و خاموش کردن صدایم موفق شده است.»

مظلوم‌ترین قربانیان هر جنگ کودکان هستند، در جنگ‌ها معمولاً کودکان نسبت کمتری در کشته شدگان دارند مثلاً در جنگ اوکراین در بین کشته شدگان غیرنظامی دو طرف حدود ۵ درصد کودکان هستند اما در غزه ۳۰ درصد شهدا کودکان هستند. شاید هیچ چیز به اندازه صدای یک کودک نتواند این جنگ را برای آدم قابل لمس کند.